

بررسی وضعیت حقوقی زن در دوره ساسانی

دکتر کریم گلشنی راد

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر

شوشتر- ایران

میترا خدام پور

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر

شوشتر- ایران

چکیده

با مطالعه منابع مربوط به دوره ساسانی متوجه می شویم که زن دارای شخصیت حقوقی بود. بر اساس کتاب مذهبی اوستا، از نظر حقوقی زن با مرد برابر می باشد و تفاوتی بین این دو وجود ندارد. هر جا که در اوستا نام مرد می آید، نام زن نیز در ادامه آورده می شود و هر جا که مرد ستایش می شود، زن نیز ستایش می گردد. از نظر قوانین حقوقی، پدر خانواده نمی توانست دختر خود را مجبور نماید از کسی سرپرستی و پرستاری نماید؛ هنگام ازدواج نظر دختر را جویا می شدند و پدر و سرپرست خانواده حق نداشت دختر را به زور شوهر دهد ولی دختر برخلاف میل پدر می توانست ازدواج نماید. در صورت فوت شوهر، مادر یا کدبانو به سرپرستی خانواده می رسید و ارث دریافت می داشت. دختران و زنان می توانستند به کارهای اقتصادی بپردازند و در صورت لزوم مستقلاً و بدون نیاز به قیم و سرپرست در دادگاه شرکت کرده و حق شهادت دادن داشتند.

کلید واژه ها: زن، قانون، دوره ساسانی، آیین زردشتی، ازدواج، طلاق.

مقدمه

قوانین حقوقی در دوره ساسانی، از کتاب مذهبی اوستا، عرف و دستورات و فرامین پادشاهان سرچشمه گرفته بود. دختران و زنان نیمی از جمعیت ایران ساسانی را تشکیل می دادند که دارای شخصیت حقوقی بودند. اگر چه جامعه بصورت مرد سالاری بود ولی قانون در موارد زیادی از زنان حمایت می نمود. اطلاعات ما بیشتر در مورد طبقه اشراف و بزرگان می باشد. در این طبقات ما مشاهده می کنیم که زنان بسیاری به فنون جنگاوری می پردازند و از تعلیم و تربیت و هنرهای مختلف بهره مند می باشند. در موارد متعدد زنان در دوره ساسانی به پادشاهی رسیدند و این مسئله نشانه اینست که در دیدگاه ایرانیان، زن موجودی پست محسوب نمی شد و گرنه بعنوان بزرگترین و مهمترین شخصیت کشور یعنی پادشاه انتخاب نمی گردید.

زن در اوستا

با بررسی موقعیت و مقام زن از دیدگاه "اوستا" درمی یابیم که مرد و زن بدون در نظر گرفتن جنسیت آنها تمجید می شوند. در این کتاب، هر جا که نام مرد آورده می شود، نام زن نیز ذکر می شود:

" ستایش بجای می آورم اشون (ašavan) مردان و اشون زنان را که ردان اشونی اند. " (اوستا، ۱۳۸۵، یسنه، هات ۱۶، ص ۱۶۷)

" همه آبها را می ستایم. همه گیاهان را می ستایم. همه مردان نیک را می ستایم. همه زنان نیک را می ستایم. " (همان جا)

همچنین در اوستا، بخصوص " گاهان " در جاهای مختلف عبارت ستایش زنان و گروه فرزندان آنها مشاهده می شود: " ستایش بجای می آورم فروشی های اشونان را، زنان و گروه فرزندان آنان را. " (همان، یسنه، هات ۱، ص ۹۶)

" با این زور و برسم، خواستار ستایش فروشی های نیک توانای پاک اشونانم؛ خواستار ستایش زنان و گروه فرزندان آنانم. " (همان، یسنه، هات ۲، ص ۱۰۳)

در نماز شب، زنان و دختران نیک ستایش می شده اند:

رتال جامع علوم انسانی

" کد بانوی خانه که اشو و سردار اشویی می باشد می ستاییم . زن پارسایی را می ستاییم که بسیار نیک اندیش ، نیک گفتار ، نیک کردار ، به خوبی تعلیم یافته و فرمانبردار شوهر خود و اشو باشد." (همان ، خرده اوستا ، رویه ۳۹)

زرتشت به پیروانش سفارش می کند که شرایط یادگیری و آموزش را بطور مساوی برای پسران و دختران فراهم کنند. همچنین بر اساس اوستا ، زن و مرد دارای وظیفه مشترک جهت گسترش معرفت و دانش هستند:

" آنچه را که مرد و زن می دانند خوب و درست است ، نه تنها باید آنرا انجام دهند ، بلکه باید دیگران را آگاه نمایند که آنرا بدرستی انجام دهند ." (همان ، یسنا ، هات ۴۱ ، قطعه ۲)
هرمزد را در آفرینش ، مادری و پدری آفریدگان است ، زیرا هنگامی که آفریدگان را به مینویی پرورد ، آن مادری بود و هنگامی که ایشان را به صورت مادی آفرید ، آن پدری بود . (بهار ، ۱۳۶۲ ، ص ۵۵)

اهورا مزدا خود را همزمان مادرو پدر آفریدگان می داند و این اشاره ، ارج و احترام مادران را در آیین زرتشتی نشان می دهد . کتاب " اوستا " ، برای زن درسها و سر مشق های زیبایی از وفای زناشویی فراهم می آورد .

یشت سیزدهم ، همسرانی را که در قبال شوهرانشان ایثار و اخلاص نشان دادند ، جاودانی کرده است. منان چنین گفت : جدول مصلی در آن می بینیم که عصر طلایی تاریخ ایران را به یاد می آورد ، روزگاری که زنان از راه وعظ و خطابه و به نیروی سلاح ، به خدمت کشورشان برمی خاستند. در اینجا روح آن زنان گرانمایه و دلیری بزرگ داشته می شود که در سراسر زندگیشان ، در راه پیروزی روحانی که آرزوی هر زرتشتی است ، پیکار کردند . این قلدیسه های یشت سوم برای زنان ایرانی نمونه و سرمشق بودند و همه زنان می خواستند همانند این نمونه ها شوند . (مظاهری ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۱۲)

چیزی که در کتاب " اوستا " جالب می نماید این است که همان طور که برخی از ایزدان و فرشتگان از جنس نر هستند ، برخی دیگر از جنس ماده اند . چنین امری ، می رساند که نه تنها مرد ارزشمند شمرده می شده بلکه زن نیز ارجمند بوده است.

در آیین مزدیسنا ، عناصر چهار گانه آب و آتش و باد و خاک مقدسند و آب که بعد از آتش نزد همه والاتر بوده ، موی کلی به نام آناهیتا داشته است و با توجه به حرمت آب نزد ایرانیان ، به

شمار آوردن مو کل آن به صورت یک فرشته زن، دلیل احترام ایرانیان قدیم به زنان است. (معین، ۱۳۶۵، ص ۱۶۴)

چهره و سیمای آناهیتا در "آبان پشت" این گونه ترسیم شده است:

آنگاه "آردویسور انا هیتا به پیکر دوشیزه ای زیبا، برومند، برزمنند، کمر بر میان بسته، راست بالا، آزاده، نژاده، بزرگوار، موزه هایی درخشان تا مچ پا پوشیده و به استواری، با بندهای زرین بسته، روانه شد." (اوستا، ۱۳۸۵، آبان پشت، بند ۶۴، ص ۳۰۹) هنگامی که در دوران ساسانی دین رسمی زرتشتی گردید، آناهیتا مقام خود را نه تنها از دست نداد، بلکه همچنان در جایگاه خود مورد پرستش قرار داشت (بیانی، ۱۳۸۰، ص ۷۱) و در نقاط گوناگون این سرزمین مهمترین معابد را به خود اختصاص داده بود. یکی از آنها معبد استخر در ایالت پارس بود که محل تاجگذاری شاهنشاهان سلسله های گوناگون آریایی به شمار می رفت. این پرستشگاه، گذشته از اهمیت مذهبی، از اهمیّت سیاسی و اقتصادی بسیاری نیز برخوردار بود، تا آن حد که شاهنشاهی ساسانی از درون این معبد سر بر آورد و در سراسر دوران پیش از اسلام، از جمله پایتخت های ایرانی به شمار می رفت. (گیرشمن، ۱۳۷۲، ص ۴۸)

از شش امشاسپند که رابطه بین اهورامزدا و بندگان او به شمار می روند، سه تن (بهمن، اردیبهشت، شهریور) نرینه یا مذکر و سه تن دیگر (سپندارمذ، خرداد، مرداد) مادیه یا مؤنث اند که این شش تن دارای ارج و قدرت یکسان و فراوانند. "سپندارمذ" در جهان روحانی مظهر مهر، برادری و فروتنی اهورامزدا است و در جهان مادی فرشته مؤنث کل و نگهبان زمین است. (حجازی، ۱۳۸۵، ص ۵۶) او را دختر اهورا مزدا و مادر زمین خوانده اند.

در این مورد در کتاب اوستا چنین آمده است: "اکنون سخن می دارم از آنچه برای این جهان بهترین چیزها دانسته شده و آن را از دین راستین بیا موختیم و آن این است که اهورا مزدا کسی است که این گیتی بیا فرید، پدر برزیگران نیک منش و زمین ارمییتی سپندارمذ دختر نیک کردار اوست." (اوستا، ۱۳۸۵، یسنه، ص ۱۶۸) از آنجا که کشت و کار و آبادانی در آیین زرتشت اعتبار بس ارجمند دارد، سپندارمذ مؤلف است که زمین را خرم و آبادان بر پای دارد و دل گرمی و شادمانی هر کس را که به کشت و کار می پردازد، فراهم آورد. (پارسا، ۱۳۶۴، ص ۲۹) "زمین" در نزد بسیاری از اقوام جنبه "مادری" پیدا کرده و "مادینه" انگاشته شده است. (توسلی، ۱۳۸۷، ص ۲) اگر کسی می خواست "سپندارمذ" را راضی و خشنود سازد، می

بایست زنان را خشنود کند: " هر که در جهان ، سپندارمذ را خواهد گرامی دارد و چیز سپندار مذ را خواهد افزودن ، هر کس آن را باید که او را سپندارمذ همراه باشد ، در هرگاه و زمان ، زمین و زن نیک را ، با هرچه آمده است و با هر چه او را هست باید گرامی دارد و باشد که خشنود کند ."
(شایست و ناشایست ، ۱۳۶۹ ، ص ۸۷)

ایزدان مونث دیگر که در اوستا نام آنها ذکر شده است عبارتند از : دئنا یا وجدان که پس از مرگ در چینودپل به استقبال روان آمده ، پیمودن راه بهشت و یا دوزخ را نشان میداده است . (بهار ، ۱۳۶۲، ص ۲۳۳) ایزد " چستی که" مو کل علم و دانش می باشد . ایزد " اشی" که به معنی توانگری و بخشایش است و خیر و برکت و شادی را به خانه ها می آورد . ایزد " پرنده " یا " پاردی " که زن ایزد نگهبان دارایی مردم و از یاران " اشی " است . فرشته پاردی بیشتر با صفات چالاک یا دارنده گردونه چست و سبک آمده و ستوده شده است . (حجازی ، ۱۳۸۵ ، ص ۶۵)
زرتشت ، هنگامی که دین خود را برملا ساخت و پیروان فراوان گرد آورده بود ، در نقش آفرینی زن در جامعه ایرانی تأثیر بسزایی بر جای نهاد، زیرا کتاب مقدس او آکنده از تعالیمی در مورد احترام نسبت به زن و فرامین وی حاکی از مشارکت زن در بدست گرفتن کارهای گوناگون مادی و معنوی است . (بیانی ، ۱۳۸۰ ، ص ۷۴) مادر زرتشت دوغذو نام داشت . اومستد این نام را به معنی " آنکه گاوهای سفید را دوشیده " می داند و نژاد وی " سپیتم " به معنی " سپید " بود . (اومستد ، ۱۳۷۲ ، ص ۱۴۹) بین قبایل اوراسی ، سفید رنگ مقدس بوده است . همسر وی " هووی " نام داشت به معنی " دارای گاو های خوب " که زنی بلند بالا ، زیبا و دوست داشتنی توصیف شده است (همانجا) ، که از خاندان گشتاسب بود . بدین ترتیب همسر پیامبر ، ثروتمند ، زیبا ، خوش اندام و از خاندانی بزرگ و اصیل بوده است . (بیانی ، ۱۳۸۰ ، ص ۷۴) کوچکترین دختر زرتشت به روایتی زن جاماسب شد که او نیز از خاندان گشتاسب بود . (اومستد ، ۱۳۷۲ ، ص ۱۴۱)

با اطمینان می توان استنباط کرد که در روزگار کیش کهن (قبل زردشت) ، هیچ زنی نمی توانست در سر ، آرزوی رسیدن به سعادت جاودانی را پپروراند . از قرار معلوم آنگاه که زرتشت اعلام می دارد هر کس که تعالیم او را بپذیرد و به کار بندد خواه مرد یا زن ، از " پل چینود " گذر خواهد کرد ، باب جدیدی رامی گشاید و مطلب نویینی رامطرح می سازد . (بویس ، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷)

زن در شاهنامه فردوسی

اگر گواهی های اساطیری ایرانی را در نظر بگیریم ، می بینیم که زن از جنبه های گوناگون زندگی دارای شخصیتی مؤثر در جامعه بوده است . به عنوان نمونه در کتاب " شاهنامه فردوسی " در آن بخش ها که مربوط به دوران اساطیری و پهلوانی می شود ، در همه داستانها زن حضوری فعال و کارساز دارد. در داستان ضحاک و فریدون ، خواهران جمشید . در داستان سام و زال ، سنیدخت و رودابه . در داستان سهراب ، تهمینه و گرد آفرید . در داستان کاووس ، سودابه . در داستان سیاوش ، سودابه ، فرنگیس و جریره . در داستان بیژن و منیژه، منیژه و در داستان گشتاسب و اسفندیار ، کنایون را باید نام برد . (بیانی ، ۱۳۸۰ ، ص ۷۸) زن در شاهنامه به استثنای سودابه که زنی مفسده جو و بدکار است ، مظهر فداکاری ، دانائی و خرد ، فرزاندگی ، شرم ، بزرگ منشی ، خانه داری و در ضمن زیبایی ، ظرافت و دلفریبی است . بدین معنی که همه ی صفات والای مرد ، بعلاوه دلفریبی و ظرافت زنانه در این قهرمان اساطیری موجود است . او در مصیبت های زندگی داخلی سیاسی ، مقاوم و صبور و در جنگ و ستیز متهور و جنگجو است. چون گردآفرید که در برابر حملات تورانیان همراه مدافعان دیگر به دفاع از "دژسپید" پرداخت . (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰، ص ۲۰)

میشه در مقام سخن از زنان ایرانی که فردوسی به ستایششان برخاسته است ، معتقد است که : زنان در شاهنامه که پایبند افسانه های کهن ایران زمین است ، غرور و عظمتی باستانی دارند . اگر گناهی از ایشان سربرزند ، زاده ضعف نیست . سخت و نیرومند و دلیرند ، ابتکاری بی پروا و وفائی پهلوانانه دارند . یکی به عوض اینکه ربوده شود ، عاشق خفته اش را می رباید . دوش به دوش شوهرانشان پیکار می کنند و به مقابله همه تصادفها می روند. دختر امپراطور روم که به گناه ازدواج با گشتاسب پهلوان به دست شکنجه داده می شود ، از لحاظ وی شایسته ستایش است ، زیرا که شریک رنجها و فقر سرشار از افتخار او می شود . دختر افرا سیاب ، دشمن بزرگ ایران ، پادشاه توران ، که شاهزاده جوان ایرانی را به شوهری برگزیده است ، به دفاع از وی بر می خیزد ، غذایش می دهد و در مقام نجاتش بر می آید. هنگامی که افراسیاب ستمگر ، پهلوان جوان ایرانی را برای اطاله درد ها و رنجهایش زنده زنده در زیر سنگ به بند می اندازد ، محض خاطر وی به گدایی می رود . این تصویر ، تصویر گرانبمایه و بلندپایه جانبازی ، وفا و اخلاصی است که هیچ داستانی ، هیچ شعری فراتر از آن ترفته است. پهلوان جوان ایرانی به مرور زمان آزاد می شود.

همسر گرانمایه و نامدارش به ا تفاق وی ، رهسپار ایران می شود ، پیروز می شود ، پرستیده می شود ، و در قلب م لمت ، در آغوش م لمت جای می گیرد . (مظاهری ، ۱۳۷۷ ، صص ۱۱۲ و ۱۱۳)
در این دوره به سیمای دیگری از زن بر می خوریم و آن گردیه خواهر بهرام چوبین، سردار معروف ساسانی است. وی بعد از مرگ برادرش بهرام ، به همسری خسرو پرویز در آمد . از این پیوند پسری بنام جوانشیر بدنیا آمد که بعد ها به سلطنت رسید؛ ولی پس از یک سال در گذشت. (بیانی، ۱۳۵۳، ص ۸۳)

چون بهرام بر پادشاه وقت هرمز چهارم شورش کرد، سرداران لشکر را جمع نمود و خواست در سرکشی آنها را با خود همدست کند ، همه او را تم لقت گرفتند، مگر خواهر که اندرز نمود و از سرکشی مانع شد . فردوسی می نویسد که چون سرداران انجمن شدند و گردیه سخنان آنها را شنید :

بدان انجمن شد دلی پر سخن	زبان پر ز گفتار های کهن
برادر چو آواز خواهر شنید	ز گفتار و پاسخ فرو آرמיד
چنین گفت پس گردیه با سپاه	که ای نامداران جوینده راه
ز گفتار خاموش چرا ماندید	چنین از جگر جوش بنشاندید

(فردوسی ، ۱۳۶۹ ، ص ۶۲۳)

بعد از اینکه بهرام کشته شد هنگامی که گردیه و سپاهیان به طرف ایران آمدند ، خافان ترک یکی از سرداران خود بنام ط وژگ را از پی او فرستاد که او را گرفتار کند و چون سواران ترک به او نزدیک شدند گردیه :

از ایشان بدل بر نکرد ایچ یاد	ز لشکر سوی ساروان شد چو باد
یکایک بنه در پس پشت کرد	بیامد ننگه کرد جای نبرد
سلیح برادر بپوشید زن	نشست از بر باره کامزن
به پیش سپاه اندر آمد طورگ	که خاقان وراخواندی پیر گرگ

سرانجام نبرد تن به تن بین گردیه و طورگ صورت می گیرد که گردیه موفق می شود سردار ترک را بکشد:

ز پیش سپاه اندر آمد طورگ	بیامد برنامدار سترگ
چو تنها بدیدش زن چاره جوی	از آن مغفر تیره بگشاد روی

سواری و رزمش پسندیده ای	بدو گفت بهرام را دیده ای
کنون روزگار وی آمد به سر	مرا بود هم مادر و هم پدر
یکی سوی رزمت گرایش کنم	کنون من تو را آزمایش کنم
همانا مرا خود پسندی تو شوی	گرم از در شوی یابی بگوی
پس او همی تاخت ایزد گد شسپ	بگفت این و زآن پس برانگیخت اسپ
بر آویختند آن دو شیر نبرد	سپهدار چینی همان حمله کرد
به نیزه در آمد به نزد سوار	همان خواهر پهلو نامدار
که بگذاشت خفتان و پیوند اوی	یکی نیزه زد بر کمر بند اوی
همه ریگ شد زیر او جوی خون	چو از پشت باره در آمد نگون
بسی کشته افکند و چندی بخت	همه لشکر چین همی بر شکست
یکی بی سر و دیگری سر نگون	سراسر همه دشت شد رود خون
بر شهریار دلیران کشید	چو پیروز شد سوی ایران کشید

(همان منبع ، صص ۶۶۵ و ۶۶۶)

گردیده وارد ایران می شود و سرانجام با خسرو پرویز ازدواج می نماید . آری گردیده نمونه ای بود از زنان ایرانی که دارای دلیری، هوش و ذکاوت بسیار زیادی بود .

جشن روز زن

در ایران باستان ، تقارن نام روز با نام ماه جشن گرفته می شده است . مانند روز تیر از ماه تیر (جشن تیرگان) یا روز مهر از ماه مهر (جشن مهرگان) . روز پنجم اسفند هر سال یعنی روز سپندارمذ از ماه سپندارمذ (اسفند) را جشن می گرفتند . این روز در عصر باستان " روز زن " نامیده می شده و زنان در این روز از شوهران خود هدیه در یافت می کردند . تقارن ۱۸ مارس (۱۷ اسفند) یعنی روزی را که سازمان ملل روز جهانی زن نامیده با این روز از قضا تقارنی نیکوست . (توسلی ، ۱۳۸۱ ، ص ۲)

ابوریحان بیرونی در کتاب "آل الباقی" که "در مورد" جشن اسفندارمذ " در بین ایرانیان می نویسد :

"اسفندارمذ ماه، روز پنجم آن روز اسفندارمذ است و برای اتفاق دو نام آن را چنین نامیده اند و معنای آن عقل و حلم است و اسفندارمذ فرشته مو گل بزمین است و نیز بر زندهای درست کار و عفیف و شوهر دوست و خیرخواه مو گل است و در زمان گذشته، این ماه بویژه این روز عید زنان بوده و در این عید مردان بزنان بخشش می نمودند و هنوز این رسم در اصفهان و ری و دیگر بلدان پهلای مانده و به فارسی مردگیران می گویند و در این روز افسون می نویسند و عوام مویز را با دانه انار می کوبند و میگویند تریاقی خواهد شد که از زیان گزیدن کزدمها دفع می کند و از آغاز سپیده دم تا طلوع آفتاب این رقیه را بر کاغذهای چهار گوش می نویسند." (بیرونی، ۱۳۸۶، ص ۳۵۵)

وجودجشنی مربوط به زنان در عصر باستان، نشان از ارزش و اهمیّت زن در بین ایرانیان باستان می باشد.

حقوق زن

وظیفه اصلی زن در نهاد خانواده این بود که به کارهای داخل خانه بپردازد. در مقدمه کتاب "ماتیکان هزار داتستان"، بالسارا می نویسد: "فرمانروایی در خانواده مشترکاً میان مرد یا کدخدای خانه و زن یا کدبانوی خانه تقسیم شده بود. کدبانو نسبت به اداره امور داخلخانه دارای تسلط و آزادی کامل بوده و مرد نمی توانسته در آن دخالت کند." (ماتیکان هزار داتستان، ۱۹۹۷، ص ۵)

نقشی که زن در خانه به عهده دارد، قابل مقایسه با نقش شوهر نیست. اختیارات آنها تضاد و تناقضی با یکدیگر ندارد و یکی مکمل دیگری است. اگر شوهر خداوندگار راستین خانه است، زن "وزیر" خانه می باشد و در عمل رسیدگی به همه چیز به عهده او است. زمام تدبیر منزل کم و بیش همیشه در دست زن است و زن اگر زنی خود رأی باشد، حتی می تواند خانه را هم سرتاپا به میل خویش اداره کند.

کار درون خانه، زنان را به موجدی اجتماعی مبدل می کرد. در واقع، زن خانه دار تعدادی وظایف معین را انجام می داد که هر چند دارای ماهیّتی خانگی بودند، اما ابداً بلوغ نمی شدند. وظایف مربوط به اداره امور خانه، آوردن آب، آماده ساختن غذا برای مردان، کارگران کشاورزی و مستخدمان، تدارکات علوفه برای چارپایان و

پرنندگان خانگی بر عهده ی زن قرار داشتند . او در مزرعه نیز وظایفی را انجام می داد که حدود آنها به فصل سال ، نوع سازماندهی اقتصادی، نوع محصول و تعداد کارگران بستگی داشت . اما حتی اگر خانه حیطة نمادین زن تلقی می شد، وی هرگز در آن محصور نمی ماند. هنگامی که زن از خانه خارج می شد، با زنان دیگر همراه بود و منظور او انجام آن قبیل کارهای خانگی بود که در خانه امکان پذیر نمی شدند (مانند طبخ نان در تنور و سوتاوغیره). کارهای مردانه عبارت بودند از کار در مزرعه و مراقبت از دام و محصول. در انجام هر وظیفه مشترک، نیروی کار زنانه و مردانه بر مبنای تکمیلی سازمان می یافت، اگر مرد به درو مشغول می شد، زن دسته های محصول درو شده را جابجا میکرد، و اگر مرد به شخم زنی می پرداخت، زن حیوانات زیرخیش را هدایت می نمود . (سگالن ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۳۳)

از نظر حقوقی و قانونی ، دختران حق اظهار نظر در ازدواج داشتند و اگر دختر مایل نبود با فردی ازدواج کند ، پدر حق نداشت برخلاف میل دختر اقدام کند. بر اساس کتاب " ماتیکان هزار داتستان " ، اگر مردی به دخترش اعلام نمود که برو و همسر فلان مرد بشو ، دختر می توانست از دستور پدر سرپیچی نماید . دختر حق دارد که این دستور را انجام ندهد . " (ماتیکان هزار داتستان ، ۱۹۹۷ ، ص ۱۰۳)

نه تنها نظر دختر را در امر ازدواج جویا می شدند بلکه مطلب بسیار مهم و جالبی که در این دوره با آن مواجه هستیم این است که ، دختر می توانست برخلاف نظر پدر ، با فرد دلخواهش ازدواج کند . یعنی ممکن بود پدر خانواده ، فردی را برای همسری دخترش در نظر می گرفت ، ولی دختر او را نمی پسندید . در این صورت پدر نمی توانست دختر را مجبور به ازدواج تحمیلی نماید . طبق کتاب " ماتیکان هزار داتستان " ، دختری که از دستور پدرش در مورد ازدواج با شخص معین سرپیچی می نمود ، حقوق و امتیازات وی در خانواده از او گرفته نمی شد و این دختر حق تنی در صورت فوت پدرش می توانست سرپرست خانواده شود. " (همانجا ، ص ۲۰۹)

در نوشته های پهلوی که دستور جاماسب منوچهر آسانا جمع آوری کرده است ، عقد نامه ای به جای مانده که طبق این عقدنامه ، داماد (اردشیر) موظف بود دارایی های زیر را به عروس (خورشید) بدهد:

اولاً اردشیر بهمن : نیک دانست که به پیمان راست به نشانهٔ علاقه و محبت به خورشید، نَهْرَبِلَوَسَه کَگَه سیمین مر وچ کشور با جواهری که نیز به بهای سه هزار زوزن باشند بدهد و م از مجموع دارایی پا بر جا که اکنون در تصرف اوست و آنچه که در آینده به تصرف او خواهد آمد و مالک آن بشود و بتواند بدون مانع به هر که بخواهد، یک نیمه را به خورشید یا نمایندهٔ ولوگذار و خورشید را رسماً مالک آن قرار دهد و هرگاه خورشید یا نماینده تقاضا کند، بدون چون و چرا و بدون طفره و خود داری تحویل بدهد." (مهرین شوشتری، ۱۳۴۹، ص ۱۰۱)

جالب است که امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته، نیمی از اموال مرد متعلق به زن می‌باشد و صورت طلاق، مرد موظف است نیمی از کل اموال خود را به او بدهد.

یکی از مسائل حقوقی زنان در عصر ساسانی، طلاق می‌باشد. برعکس اکثر جوامع عصر باستان که زن حق طلاق گرفتن نداشت، در ایران دورهٔ ساسانی، به مرد و زن (هر دو) چنین حق داده می‌شد.

در کتاب ماتیکان هزار داتستان می‌خوانیم:

"تقاضای طلاق از هر یک از زوجین در محکمه پذیرفته می‌شود، ولی محکمه هیچ مردی را بدون رضایت شاه زن او و هیچ شاه زنی را بدون رضایت شوهرش، نمی‌تواند طلاق دهد." (گفتاری دربارهٔ ماتیکان هزار داتستان، ۱۳۸۶، ص ۶۹)

بنابراین همان طور که مرد حق داشت از همسرش به دادگاه شکایت برده و خواهان جدایی از او باشد، زن نیز دارای چنین اختیاری بود. هرگاه مرد و زنی برای جدایی به دادگاه مراجعه می‌کردند، محکمه تا وقتی که دلیل کافی و مستند از آنان دریافت نمی‌داشت و تا وقتی مطمئن نمی‌گشت که آنها نمی‌توانند با یکدیگر زندگی کنند، اجازهٔ طلاق به آنها نداده و زن و مرد را مجبور به ادامهٔ زندگی مشترک می‌کرد. اگر شوهر به بهانه ای ناروا می‌خواست همسرش را طلاق دهد، زن می‌توانست نزد داور شکایت کند و اگر بر داور ثابت می‌شد که مرد در اشتباه است، او را تنبیه نموده و به زندان می‌فرستاد. (مهرین شوشتری، ۱۳۴۹، ص ۱۴۷)

بر اساس کتاب "دینکرد"، سرداری خانواده بعد از وفات مرد خانه و از طرف وی، به کدبانوی خانه نیز تفویض می‌شد. (آذر فرنبغ، ۱۳۸۱، ص ۷۹) در کتاب "ماتیگان هزار داتستان" می‌خوانیم: "هرگاه سرپرستی خانواده به عهده زن باشد، دیون آن خانواده باید به وسیله سردار خانواده پرداخت گردد." (ماتیگان هزار داتستان، ۱۹۹۷، ص ۵۱) براساس کتاب "داتستان دینیک"، بعد از مرگ پدر خانواده، نیازی به تعیین سرپرست و سردار جدید برای خانواده نبود، زیرا کدبانوی خانه سرپرست خانواده می‌شد و تمامی اموال خانواده در دست وی باقی می‌ماند. ("داتستان دینیک، ۱۸۸۲، بخش ۵، ص ۱۲)

نه تنها زن به سرپرستی خانواده می‌رسید، بلکه هنگامی که شخص دیگری غیر از کدبانو، سرپرست خانواده بود، در مورد پرداخت بدهی های خانواده، نظر کدبانو مهمتر از نظر سرپرست یا قیّم بود. در این زمینه در کتاب "ماتیگان هزار داتستان" می‌خوانیم:

"اگر بدهی [مربوطه سرپرست متوفی خانواده] قرار است از طریق دارایی خانواده پرداخت شود و خانم خانه این بدهی را انکار کند، در حالیکه قیّم آنرا قبول دارد، بنابراین اظهارات قیّم باید کتباً نوشته و مهر شود و خانم خانه قیّم دیگری [بجای قیّم قبلی] جهت اجرای پرونده در دادگله‌ناب کند و اگر در خلال مدت محکمه، خانم خانه ضرورت پرداخت بدهی را بپذیرد، اما قیّم منصوب شده این کار را انکار کند، انکار قیّم د وّم بی ارزش می‌باشد." (ماتیگان هزار داتستان، ۱۹۹۷، ص ۵۹)

زنان در این دوره صلاحیت ارائه شهادت در دادگاه را داشتند. در کتاب دینکرد در این زمینه آمده است: "که اهل بیت داشته باشد، برای داوری و ارائه شهادت صلاحیت دارد." (دینکرد، ۱۸۹۷، نیکادوم نسک، بخش ۵)

زنان بعد از ازدواج نسبت به تصدّیقات مالی خود آزاد بوده و بدون نظارت یا سرپرستی شوهر می‌توانستند هرگونه معامله ای را که قانونی باشد انجام دهند. (ماتیگان هزار داتستان، ۱۹۹۷، ص ۳۶) در صورتیکه در عقد نامه چنین اختیار و اجازه ای به زن داده می‌شد و مکتوب می‌گردید، در آن صورت زن در هنگام زناشوئی، می‌توانست آزادانه به فعالیت اقتصادی بپردازد و زن می‌توانست بر خلاف خواست

شوهرش از دیگران هدایا و اموال دریافت کند. در این زمینه در کتاب "ماتیکان هزار داتستان" می‌خوانیم: اگر چیزی واگذار شود به یک صغیر دارای یک قدیم و به یک زن دارای شوهر، و اگر آن شوهر و آن قدیم اعلام کنند که: ما احتیاجی به آن نداریم، بنابراین آن چیز که واگذار شده، به صغیر [متعلق به او خواهد بود] هنگامی که او بالغ شود و آن چیز به همسر واگذار شده دارای آن همسر خواهد شد. (همانجا، ص ۶۵)

اگر مرد، زنش را در فعالیتهای اقتصادی با خود شریک می‌ساخت، زن بدون اجازه شوهرش می‌توانست اموالی را به دیگری ببخشد، ولی مرد می‌توانست به بهانه نافرمانی همسرش، این حق را از زنش سلب نماید. (همانجا، ص ۲۵۷) قانون از حقوق مالکیت زن در برابر دست اندازی خود سرانته شوهر به دارایی او حمایت می‌کرد، به شرط آنکه این حقوق را به صورت قانونی ثبت می‌کردند. گناه نافرمانی زن که بر پایه آن ممکن بود حقوق مالکیت وی نقض گردد، می‌بایست رسماً ثابت و تأیید گردد.

دادگاه "گواهی نافرمانی" یا دیپی پت اترسا کاییه "dipipat atarsakayih" صادر می‌کرد و زن حق داشت برای اثبات بی‌گناهی خود به دادگاه متوسل شود. سهم زن از دارایی پدر که با خود به خانه شوهر می‌آورد (سهم دختر از دارایی پدر) و نیز اموالی که جهیزیه عروسی زن بود، تا زمانی که وی زنده بود به او تعلق داشت و شوهر تنها حق داشت که از آنها استفاده کند و اگر زن بی‌آنکه فرزندی آورد می‌مرد، جهیزی را که وی به خانه شوهر آورده بود، به خانواده پدری او باز می‌گرداندند. (بار شاطر و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۳۵)

مطابق قانون، مرد حق نداشت نسبت به زن و فرزندان خود ستم روا دارد. (گفتاری درباره ماتیکان هزار داتستان، ۱۳۸۶، ص ۱۱) هرگاه مرد در محکمک به زن خود نسبت زنا می‌داد، در صورتی که از آن زندانی می‌شد، تا هنگامی که بی‌عفتی زن به ثبوت نرسیده بود، شوهر حق نداشت از دادن نفقه به زن و طفل خود داری کند، ولی پس از ثبوت زانیه بودن زن، تمام عناوین و حقوق او قطع می‌شد. (همانجا، ص ۱۱۲)

دختران مانند پسران می‌توانستند به فرزند خواندگی برسند. بر اساس کتاب "داتستان دینیک" نه تنها دختر می‌توانست به فرزند خواندگی برسد، بلکه خانواده ابتدا

می بایست دختر را به عنوان فرزندخوانده انتخاب کنند و در صورت نبود دختر بالغ، نوبت به پسران و دیگر خویشاوندان نزدیک می رسد.

(داتستان دینیک، ۱۸۸۲، ص ۱۳)

زنان در ایران باستان می توانستند در مراسم مذهبی شرکت کنند و برخی مواقع دستیار روحانیون در اجرای مراسم مذهبی می شدند. در کتاب هیربذستان از جمله چیزهایی که شرح داده است، وظایف آن روحانی است که برای اجرای تکالیف دینی به دهات و قصبات اعزام می شود، همچنین ترتیب استخدام زنی است که معاونت در اجرای مراسم دینی نماید. (کریستن سن، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲)

زنی که با سایر اعضای خانواده زندگی میکرد، چنانچه مرتکب جرمی میشد یا اینکه شکایتی داشت، میتوانست به تنهایی به عنوان مدّ تهم و یا شاکی در دادگاه شرکت کند و نیازی به قیّم و همراه نداشت. (ماتیگان هزار داتستان، ۱۹۹۷، ص ۵۹)

بنابراین مشخص می شود که زنان در این دوره از نظر حقوق و امتیازات قانونی قابل مقایسه با وضعیّت زن در سایر کشورهای همزمان نیستند.

اطاعت و فرمانبرداری زن نسبت به شوهر

بعد از ازدواج، زن زیر سرپرستی و اختیار زناشویی شوهرش در می آمد و ملزم بود که از وی اطاعت کند. وضع و موقع او را در اسناد حقوقی "فرما نبور تاریه" توصیف می کردند. (یار شاطرو دیگران، ۱۳۷۷، ص ۳۴) در متون مذهبی زرتشتی که بعد از سقوط دوره ساسانی تألیف یافته اند، دستورات فراوانی در مورد اطاعت و فرمانبرداری زن نسبت به شوهرش آمده است. در کتاب "صد در نثر" میخوانیم:

"اینکه در دین به اویره مازدیسنان، زنان را نیایش کردن نفرمودند که نیایش ایشان آنست که هر روز سه بار بامداد، نماز پیشین و نماز شام، در پیش شوهر خویش بایستند و دست بکش کنند و گویند که ترا چه اندیشه است تا من آن اندیشم و ترا چه می باید تا من آن گویم و ترا چه می باید تا من آن کنم که فرمایی. هر چه شوهر فرماید، آنروز بیاید رفتن و البته بی رضای شوهر هیچ کاری نکردن تا خدا از آن زن خشنود باشد. چه خشنودی ایزد در خشنودی شوهر پیوسته است. چه هرگاه که [براساس]

فرمان شوهر کار کنند ، در دین او را اشو خوانند وگرنه او را جه (jah = دختر اهریمن خوانند." (صد در نثر ، ۱۹۰۹)

تنسر ، یکی از بلاهایی را که بعد از سقوط سلسله هخامنشی برسر ایرانیان آمد این میدانند که زنان بر شوهرانشان فرمانفرما شدند ، ولی اردشیر بابکان اقتدار شوهر را در خانواده از نو زنده کرد. (نامه تنسر ، ۱۳۵۴ ، ص ۶۰)

باید تو جَه داشت که در متون مذهبی زرتشتی که بعد از سقوط سلسله ساسانی به نگارش درآمدند ، زن موی طُف بود همواره فرمانبردار شوهر باشد و حَتّی در مقابل وی سجده نماید . منابع دوره ساسانی مانند : اوستا ، ماتیکان هزار داتستان و... نیز به زن سفارش می کنند که مطیع شوهر خویش باشد ولی لحن کلام در این منابع به شدت متون زرتشتی بعد از سقوط سلسله ساسانی نمی باشد . به نظر می رسد بعد از اینکه سلسله ساسانی در قرن هفتم میلادی توسط اعراب فاتح سقوط کرد ، ایرانیان در زمینه مطیع بودن زن نسبت به شوهر ، تحت تأثیر قوم غالب و فاتح قرار گرفتند .

براساس قانون نامه مربوط به دوره ساسانی ، زن می بایست از شوهر خود اطاعت نماید . (گفتاری درباره ماتیکان هزار داتستان ، ۱۳۸۶ ، ص ۱۱۱) نافرمانی زن براساس این کتاب عبارت بود از اینکه : " زن وظایف و تکالیف عادلانه و درستی را که شوهرش به او گفته انجام ندهد ، اما سخنان غیر عادلانه و نادرست وی را اجرا کند : " (ماتیکان هزار داتستان ، ۱۹۹۷ ، ص ۲۵۵) بنابراین طبق کتاب " ماتیکان هزار داتستان " ، زن موی طُف بود سخنان عادلانه و درست شوهر خود را اجرا نماید و اگر خواسته شوهرش درست و عادلانه نبود ، نه تنها می توانست بلکه می بایست از اجرای آن سرپیچی نماید . اگر زن نسبت به شوهر خود نافرمان بود ، مرد موی طُف بود که در دادگاه نافرمانی زن را ثابت کند ، در صورتی که نافرمانی زن نسبت به شوهر در دادگاه ثابت می شد ، اموال زن به شوهرش تعلق می گرفت . (ماتیکان هزار داتستان ، ۱۹۹۷ ، ص ۲۵۴) البته زن بدون دارایی باقی نمی مانبلکه اموالی که متعلق به زن بودند در دستش باقی می ماند : " اگر زن نسبت به شوهرش نافرمان باشد ، نمی توان زن را بدون دارایی نگه داشت ، اموالی که زن دارا می باشد ، به او تعلق دارد . " (همان ، ص ۲۵۳) بنابراین اگر نافرمانی زن در دادگاه ثابت می شد ، اموالی را که شوهر به زنش در طول زندگی داده بود ، به مرد

داده میشود، ولی دارایی خود در دستش باقی می ماند. در حالیکه بر اساس نوشته متون زردشتی بعد از دوره ساسانی: " و هر زن که فرمان شوهر نبرد و آنچه شوهر فرماید نکند، او را بدان شوهر هیچ حق و بهره نرسد که خواهد و گرنان و نفقه نهد گناهش نباشد". (روایات داراب هرمزدیار، ۱۹۲۲، ص ۱۸۹)

بنابر این این مطلب در مورد دوره ساسانی صدق نمی کند، زیرا زن در صورت نافرمان بودن حق داشت اموال خود را نگه داری نماید.

مردی که خانواده خود را اذیت می کرد، مورد نکوهش بود. در کتاب یادگار بزرگمهر می خوانیم:

" چه کسی آزار دهنده تر است؟ شوی سهمگین بد رفتار."

بنابر این در دوره ساسانی، زن موظف بود نسبت به شوهر خود فرمان بردار باشد؛ ولی شوهر حق نداشت، نسبت به همسر و فرزندان خود ظلم و ستم روا دارد. اگر چنین می کرد، زن می توانست از شوهر خود به دادگاه شکایت نماید. امروزه نیز در کشور ما زنان باید فرمانبردار شوهر خویش باشند و این مسئله فقط به ایران اختصاص ندارد. در بسیاری از کشورهای جهان، اطاعت زن از مرد پذیرفته شده می باشد و این به معنی بردگی زنان نیست.

نتیجه

با تشکیل دولت ساسانی در سال ۲۲۴ میلادی توسط اردشیر بابکان، آیین زرتشتی در ایران رسمی شد. با رسمی شدن آیین زرتشتی، ما شاهد تغییر دیدگاه جامعه نسبت به زن می باشیم. در کتاب اوستا، زن همپایه و برابر مرد است. هر جا در اوستا مرد ستایش می شود، در ادامه زن نیز ستایش می شود. در کنار امشا سپندان و ایزدان مذکر، امشا سپندان و ایزدان مؤنث نیز وجود دارند. علاوه بر این طبق آیین زرتشتی، زنان همانند مردان می توانند در جنگ اهورا مزدا و اهریمن، اهورا مزدا را یاری رسانده و در جهان آخرت وارد بهشت شوند.

زن در دوره ساسانی دارای شخصیت حقوقی بود. هنگام ازدواج نظر دختر را جویا می شدند و کسی حق نداشت وی را به زور شوهر دهد. بعد از اینکه دختر

ازدواج می نمود، از خانواده جهیزیه دریافت می داشت. بر اساس عقدنامه ای که از اواخر دوره ساسانی بجای مانده است، مرد موظف بود نیمی از اموال و دارایی خود را در طول زندگی به عنوان مهریه به نام همسر خود نماید و هر وقت که زن می خواست، مرد موظف بود آن را به او تحویل دهد. مرد در طول زندگی حق نداشت همسرش را مورد اذیت و آزار قرار دهد و اگر چنین می کرد، زن می توانست به دادگاه مراجعه کرده و تقاضای طلاق نماید. علاوه بر این زن می توانست فرزند خوانده شود، به سرپرستی و سرداری خانواده برسد، به کارهای اقتصادی بپردازد، در دادگاه مستقلاً شرکت کرده و شهادت بدهد و ...

قدیمی ترین کشوری که در آن جشنی به نام «روز زن» برگزار می شد، ایران دوره ساسانی می باشد. برگزاری این جشن در ماه اسفند، اهمیت و ارزش زن را در ایران عصر باستان نشان می دهد.

منابع و مأخذ

- ۱- آذر فرنیغ پسر فرخزاد و آذرباد پسر امید، ۱۳۸۱، دینکرد، ترجمه فریدون فضیلت، تهران، انتشارات فرهنگ دهخدا، کتاب سوم، دفتر یکم.
- ۲- اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۷۰، آواها و ایماها، تهران، انتشارات یزدان.
- ۳- اومستد، ا.ت.، ۱۳۷۲، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۴- بامانجی نساوانجی، ارواد، ۱۹۰۹، تصحیح و ترجمه صد در نثر، هندوستان، انتشارات پارسی
- ۵- بویس، مری، ۱۳۷۷، چکیده تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، انتشارات صفی علیشاه.
- ۶- بهار، مهرداد، ۱۳۶۲، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، انتشارات توس.
- ۷- بیانی، شیرین، ۱۳۸۰، دین و دولت در عصر ساسانی، تهران، انتشارات جام.
- ۸- بیرونی، ابوریحان، ۱۳۸۶، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۹- توسلی، ناهید، ۱۳۸۱، «جشن زنان در ایران باستان»، نشریه یاس نو.
- ۱۰- توسلی، ناهید، ۱۳۸۷، «روز زن در ایران باستان»، نشریه نافه، شماره ۴۵ و ۴۶.

- ۱۱- حجازی ، بنفشه ، ۱۳۸۵ ، جایگاه زن در ایران باستان ، تهران، انتشارات قصیده سرا .
- ۱۲- دوستخواه، جلیل، ۱۳۸۵ ، اوستا ، تهران ، انتشارات مروارید.
- ۱۳- رستم شهزادی، موبد، ۱۳۸۶ ، ترجمه گفتاری درباره ماتیکان هزارداتستان ، تهران، انتشارات فروهر.
- ۱۴- سگالن ،مارتین ، ۱۳۸۰ ، جامعه شناسی تاریخی خانواده ، ترجمه حمید الیاسی ، تهران، نشر مرکز .
- ۱۵- فرخ رو ، پارسا، ۱۳۶۴ ، زن در ایران باستان ، تهران، شرکت سهامی افست .
- ۱۶- فردوسی، ابوالقاسم ، ۱۳۶۹ ، شاهنامه تهران، انتشارات امیرکبیر .
- ۱۷- کریستن سن، آرتور ، ۱۳۷۲ ، ایران در زمان ساسانیان ، ترجمه رشید یاسمی ، تهران، انتشارات دنیای کتاب .
- ۱۸- گیرشمن، رومن ، ۱۳۷۲، ایران از آغاز تا اسلام ، ترجمه محمد معین ، تهران ، انتشارات امیرکبیر
- ۱۹- مانکجی رستمجی، ارواد ، ۱۹۲۲ ، روایات داراب هرمزدیار ، انتشارات ایندیا بریتیش ، بمبئی.
- ۲۰- مزداپور ،کتایون، ۱۳۶۹ ، آوانویسی و ترجمه ی شایست و ناشایست ، تهران، انتشارات مطالعات و تحقیقات فرهنگی .
- ۲۱- مظاهری، علی اکبر ، ۱۳۷۷، خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام ، ترجمه عبدالله توکل ، تهران ، نشر قطره .
- ۲۲- معین، محمد ، ۱۳۶۵ ، مزدیسنا و ادب پارسی ، تهران، انتشارات دانشگاه تهران .
- ۲۳- مهرین شوشتری، عباس ، ۱۳۴۹ ، کشور داری و جامعه ایران در زمان ساسانیان ، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی .
- ۲۴- مینوی، مجتبی، ۱۳۵۴ ، تصحیح نامه تنسر به گشنسپ ، تهران، انتشارات خوارزمی .
- ۲۵- یار شاطر، احسان و دیگران ، ۱۳۷۷ ، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان ، پژوهش دانشگاه کمبریج ، تهران، انتشارات امیرکبیر ، جلد سوم ، قسمت دوم.

26- Madigani Hazar dadistan , translated by Anahit perikhanian , Columbia university , NewYork , Mazda Publishers , 1997 .

27- Dadestani Denig , translated by E. W west , Oxford university press , 1882.

28- Denkard , translated by E.W west , Oxford university press , 189